

و بکن آن را ابراهیم سعد علوی بود شریف بود چینی گفت تو بجا میروی گفته
باشم گفت من بگویم لک کار میروم بعد از آن جلا شیره ماهی شده کتابت و عین
ی آمد لشکری در آن گوش زنی را گرفته بود آن زن با شغافه کرد ابراهیم با آن
لشکری سخن گفت قبول نکرد در کار آن لشکری و زن هر دو پختند و نذیران آن زن
برخواست و لشکری بگریه من گفتم دیگر با تو صاحب نمیکند که تو مستجاب لرغوه
می ترسم که این بی ادبی ظاهر شود و بر من دعا کنی این نیستی گفتم بی پس رفت
کرد و گفت تا بتوانی به کمتر چیزی از دنیا قضا کن و هنوزی گفته که روزی دروغ
نشنیده بودم در این بجهت بیرون رفتن در حرکت آمد پیران آمد و دید شخصی در
بیان در رخسار نماز میگذار سر اهدایت و فریاد کرد چون بیک نظر کرد در ابراهیم سعد
بود نماز گواه کرد و سلام داد و بکنار می آمد و لب میخورد اما همان بسا در صف
کشیده روی بوی نهادند بخاطر من که شدت کتبیان با آندهم متفرقی شدند
پس گفت ای ابراهیم تو می دانستی که بر تو یاد کردین رنگها از خلق پنهان شوی
و شبیلی از دنیا بسازی تا اجل تو رسد و غایب شد و دیگر ندیدم اولی و دومی
گفته که آواز زدن و ناله شنیدم بجهت منسل چند چون غیب زبانت وی کرد
چون بمضرب رسیدم گفتند وی دی روز از دنیا رفت بسره رویی رفتم و بر وی ندا کردم
و بلند شستم بر او در روی و بجا آمد دیدم آنچه مشکلی باشم از وی سوال
کرد همه را جواب گفت ابراهیم شنیده رویی در سر من است کتبت و

بعضی از اصحابی صلوات بر علی علیه
و بعضی مشایخ قدس را که ارواحم نازد
سبک میگرداند اند باران که در نماز
حفظ قلب است بلکه اصلیت خود
قلب در نماز طولی مستتر است چه

ای بارانست که این طایفه بعد از آنکه
از سکندری سفارت نمودند نصیب
ایشان از عالم شمع نکرد و بگویند
بلا که کرده که سید به مشغولند
و بعضی عیسویان قوله سبحانه فالذین
از اشارت به جان این معنی یافته اند

کسب دفع تا زمانه
رسیدن روزی که بر میسد

ای ابراهیم است صحیح ابراهیم ابن ادهر و کان من قرآن ای تزیید در اصل از کمان بوده
و در ذره آقامت کنده بوده آن وی لهر وی گویند و فریاد و فریون است بزبان
و بیکر که به وی گفته که بصحبت ابراهیم ادهر رسیدم اول سال دلالت بخیر بود که از دنیا
بعد از آن سر دلالت بکسب کرد کسب میکرد و بر فقر انفق میکرد بعد از آن گفت
کسب را بکار و تو کسب خود را بخدای تعالی درست کن تا ناصدقه و تقیین حاصل
آید آنچه گفت فرمان برد بعد از آن فرمود که بسا در به دلی بر قدم بگرد بسا در به دلال
مراد تو کسب و اعتماد بخدای تعالی میباشند گفته اند که وی داجا عظیم
بود در هر حال چند حج بکرد بر تو کسب و در همه دعا می کرد و میگفت اللهم افطمه
عالمی الاخره اهل و زهد هنر می گوید که روزها بعد از آن که سینه میماند و چون
بسا از میگرد ششم سه ماهه می گفتند این کسی است که هر شب با سر در چندین و در
نطقه می کند وقتی حج رفت قدم بگرد و چند روز در بادیه هیچ خورد و نیا شایید
گفت نفسی بمن حدیث کرد که ترا نزدیک خدای تعالی دهد و عزت هست ناکاه شخصی
از جاب دست داشت با من در سخن آمد و گفت یا ابراهیم ترا می الله و نیز لبوی کتبت
و گفتند و کان ذلک بود آنچه میگوئی بسا گفت میدانی چند کاهنت که من بخلاف
هیچ خوردند او هیچ نخوابند با آنکه هر جای و بر زمین افتاد و او گفت خدای تعالی
نوازشت گفت هشتاد روز داشت و من شرم میدارم از خدای تعالی که خاطر می
تا واقع شده است من واقع شدم و اکثر خدای تعالی سوگند دهم که این درخت را

معنی از ابراهیم است صحیح ابراهیم ابن ادهر و کان من قرآن ای تزیید در اصل از کمان بوده
و در ذره آقامت کنده بوده آن وی لهر وی گویند و فریاد و فریون است بزبان
و بیکر که به وی گفته که بصحبت ابراهیم ادهر رسیدم اول سال دلالت بخیر بود که از دنیا
بعد از آن سر دلالت بکسب کرد کسب میکرد و بر فقر انفق میکرد بعد از آن گفت
کسب را بکار و تو کسب خود را بخدای تعالی درست کن تا ناصدقه و تقیین حاصل
آید آنچه گفت فرمان برد بعد از آن فرمود که بسا در به دلی بر قدم بگرد بسا در به دلال
مراد تو کسب و اعتماد بخدای تعالی میباشند گفته اند که وی داجا عظیم
بود در هر حال چند حج بکرد بر تو کسب و در همه دعا می کرد و میگفت اللهم افطمه
عالمی الاخره اهل و زهد هنر می گوید که روزها بعد از آن که سینه میماند و چون
بسا از میگرد ششم سه ماهه می گفتند این کسی است که هر شب با سر در چندین و در
نطقه می کند وقتی حج رفت قدم بگرد و چند روز در بادیه هیچ خورد و نیا شایید
گفت نفسی بمن حدیث کرد که ترا نزدیک خدای تعالی دهد و عزت هست ناکاه شخصی
از جاب دست داشت با من در سخن آمد و گفت یا ابراهیم ترا می الله و نیز لبوی کتبت
و گفتند و کان ذلک بود آنچه میگوئی بسا گفت میدانی چند کاهنت که من بخلاف
هیچ خوردند او هیچ نخوابند با آنکه هر جای و بر زمین افتاد و او گفت خدای تعالی
نوازشت گفت هشتاد روز داشت و من شرم میدارم از خدای تعالی که خاطر می
تا واقع شده است من واقع شدم و اکثر خدای تعالی سوگند دهم که این درخت را

یا ابراهیم یعنی ابراهیم خود را
برای خدای تعالی نماز می خواند
خاطر خود

مراقبه اوقات
معیاری است که در وقت
معیاری است که در وقت